

نقد و بررسی درس نامه‌های منطق‌الطیر

فاطمه مجیدی*

چکیده

مثنوی منطق‌الطیر سه دهه است که با توجه به سرفصل مصوب سال ۱۳۶۶ در دوره کارشناسی زبان و ادبیات فارسی تدریس می‌شود و با وجود تصریح تنظیم‌کنندگان سرفصل درخصوص تدریس کلّ متن، گزیده‌های متعددی از این متن منتشر شده است و به‌مثابه درس‌نامه در قالب این درس ارائه می‌شود. این مقاله، پس از نگاهی به این سرفصل و مقایسه آن با سرفصل تازه‌مصوب سال ۱۳۹۱، نگاهی به مهم‌ترین متون مصحح و گزیده منطق‌الطیر دارد که به‌ویژه به‌مثابه درس‌نامه بیش‌تر طرف‌توجه مخاطبان بوده است و آن‌ها را از منظر کیفیت مقدمات، کم‌وکیف متن‌های انتخابی، کیفیت تصحیح، کم‌وکیف توضیحات، و نهایتاً از منظر ضمایم و فهرست‌ها نقد و بررسی می‌کند و پس از بیان نقاط قوت و ضعف هر یک، نشان می‌دهد که چگونه کم‌توجهی یا بی‌توجهی به مسائل پایه‌ای تصحیح (اعم از نسخه‌شناسی و شناخت زبان و بیان شاعر) موجب ورود بسیاری بدفهمی‌ها به درس‌نامه‌ها شده است؛ نهایتاً در دهه اخیر، پس از ارائه منطق‌الطیرهای چاپ‌شده انتشارات سخن و سمت، این بدفهمی‌ها برطرف و درس‌نامه‌های مناسبی برای این متن ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: منطق‌الطیر، عطار نیشابوری، نقد تصحیح متن، درس‌نامه‌های رشته زبان و ادبیات فارسی.

۱. مقدمه

در سرفصل قدیم دوره کارشناسی زبان و ادبیات فارسی (مصوب سال ۱۳۶۶) ذیل «متون نظم ۴» (ص ۲۶ سرفصل) به‌ترتیب مثنوی مولانا، منطق‌الطیر عطار، و حدیقه سنایی مشخص

* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه نیشابور، Fateme.majidi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۱/۲۵، تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۳/۸

شده است که از آن میان فقط درخصوص شعر عطار به «تمام منطق‌الطیر با توجه به نکات ادبی آن» اشاره شده و درخصوص آثار دو شاعر دیگر خواندن بخش‌هایی از آثار آن‌ها الزام شده است؛ البته مجموعاً بنای تنظیم‌کنندگان آن سرفصل بر اختصار بوده است و معمولاً چندان به حدود و ثغور محتوایی سرفصل هر درس یا اهداف آن توجهی نداشته‌اند؛ چنان‌که ذیل عنوان «غزلیات شمس» (ص ۵۶ سرفصل) کوچک‌ترین توضیحی درخصوص میزان خوانش متن یا اهداف درس یا هر چیز دیگر نیامده است و درخصوص منطق‌الطیر نیز مشخصاً یک سطر توضیح بدین وجه آمده است که: «در این درس تمام منطق‌الطیر با توجه به نکات ادبی آن تدریس خواهد شد»؛ البته آن‌چه در عمل و در پیاده‌کردن این سرفصل اتفاق افتاده است عمدتاً خلاف این موضوع است و در درس‌نامه‌های متعددی که برای این متن تدوین شده‌اند، با توجه به این‌که حجم آن در آخرین تصحیحات انتقادی از ۴۷۰۱ (تصحیح عابدی و پورنامداریان) تا ۴۷۲۴ (تصحیح شفیعی کدکنی) بیت متغیر است، عمدتاً بنای کار بر تلخیص متن گذاشته شده و معمولاً کم‌تر از نیمی از متن گزینش شده است.

درمقابل، در سرفصل‌های تازه دوره کارشناسی زبان و ادبیات فارسی (مصوب سال ۱۳۹۱) عنوان و محتوای تازه‌ای درخصوص آثار عطار مصوب شده است: عنوان «مثنوی‌های عطار» جای «منطق‌الطیر» را گرفته و در بیان هدف درس «شناخت احوال، آثار، و شیوه شاعری عطار نیشابوری» آمده و در تشریح اجزای سرفصل به ترتیب این موارد درج شده است: ۱. احوال و آثار عطار نیشابوری، ۲. بررسی اوضاع تاریخی و اجتماعی روزگار عطار، ۳. بررسی عرفان عطار با تکیه بر منطق‌الطیر، ۴. تدریس منتخباتی از مثنوی‌های عطار (الهی‌نامه، مصیبت‌نامه، و اسرارنامه)، ۵. معرفی و نقد منابع.

در مقایسه با سرفصل قدیم، این‌که نگاه تنظیم‌کنندگان سرفصل معطوف به شناخت «اوضاع تاریخی و اجتماعی روزگار عطار» شده بسیار حائز اهمیت و کلیدی است و اگرچه هنوز پس از حدود پنج سال از ابلاغ این سرفصل درس‌نامه‌ای بر مبنای آن تنظیم نشده است (کتاب پیرنیشابور، که گزیده‌ای از مثنوی‌های عطار است، حدود دو دهه قبل تألیف شده است)، امید می‌رود که مؤلفان درس‌نامه‌ها در گزینش بخش‌های انتخابی از مثنوی‌های عطار، علاوه بر دیگر معیارهای معمول بلاغی و زبانی و ادبی، به این موضوع نیز توجه داشته باشند.

انتقادی نیز بر تدوین‌کنندگان سرفصل جدید وارد است که ناشی از ساده‌انگاری آنان در مفاد پیش‌نهادی ذیل منابع اصلی و پژوهشی است؛ اگرچه درخصوص منابع اصلی به‌نظر می‌رسد که انتشار چاپ‌های انتقادی شفیعی کدکنی از مثنوی‌های عطار انتخابی درست

باشد، به اضافه تصحیح قابل تأمل و محققانه عابدی و پورنامداریان از *منطق الطیر*، اما تنظیم‌کنندگان سرفصل بی‌گمان در معرفی منابع پژوهشی ساده‌انگارانه عمل کرده‌اند: مثلاً از آن‌جا که دومین عنوان در سرفصل مطالب یادشده «بررسی اوضاع تاریخی و اجتماعی روزگار عطار» است و البته این موضوع حائز اهمیت فراوان است، جای مهم‌ترین کتاب منتشرشده در این موضوع، یعنی *سیمای جامعه در آثار عطار* (صارمی، ۱۳۸۲)، خالی است و یا روشن نیست که چرا *الهی‌نامه* چاپ هلموت ریتز جزء منابع پژوهشی این سرفصل آمده است؛ حال آن‌که در این کتاب، جز متن مصحح، مقدمه چهارده‌صفحه‌ای ریتز منحصراً در معرفی نسخ و شیوه تصحیح است. ضمن این‌که عجیب به نظر می‌رسد کتاب دوجلدی *مصطلحات عرفانی و مفاهیم برجسته در زبان عطار* (صارمی، ۱۳۸۹) در عداد منابع پژوهشی حوزه عطار نباشد، اما از کتاب *فرهنگ نوادر لغات و ترکیبات و تعبیرات آثار عطار نیشابوری* (اشرف‌زاده، ۱۳۶۷) یاد شده باشد که با توجه به شروح متعدد و خوب آثار عطار و کتاب پیش‌گفته دیگر چندان مرجع پژوهش‌گران نیست؛ البته مهم‌ترین خلأ در معرفی آثار پژوهشی قطعاً به تعبیر شفیع کدکنی «اثر بی‌مانند» هلموت ریتز (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۷: ۲۳) با نام *دریای جان* است (ریتز، ۱۳۸۸) که «سیری در آرا و احوال شیخ فریدالدین عطار نیشابوری» است و به تعبیر مترجمان این کتاب «مهم‌ترین و چشم‌گیرترین اثر ریتز، [و] حاصل سال‌ها تحقیق و تلاش» وی است. به همین شکل، نام کتاب *محققانه دیدار با سیمرخ* (ویرایش دوم ۱۳۸۲) از تقی پورنامداریان نیز که دربردارندهٔ مقالهٔ عمدتاً کلیدی برای درک شعر عطار است در این فهرست خالی است و نیز کتاب *صدای بال سیمرخ* (زرین‌کوب، ۱۳۷۹) که هرچند در اوضاع بیماری زرین‌کوب و در دیار غربت نوشته شده است، اما حاوی نکات ارزش‌مند فراوانی به‌ویژه دربارهٔ روزگار عطار است و دانشجویان از ره‌گذر مطالعهٔ نثر روان و گاه روایت‌گونهٔ نویسنده با برخی مواضع انتقادی او، مثلاً دربارهٔ زادگاه عطار یا انتساب *مختارنامه* به وی، آشنا می‌شوند؛ چنان‌که نویسنده فروتنانه اظهار می‌کند: «اگر حاصل پاره‌ای بررسی‌های آن با آنچه دیگران انجام داده‌اند تفاوت دارد امید است در نزد اهل تحقیق مایهٔ برخی ناخرسندی‌ها نشود» (همان: ۸).^۱

۲. بررسی آثار

با توجه به آن‌چه گفته شد، یعنی دوگانگی میان سرفصل مصوب جدید و بسیاری از درس‌نامه‌هایی که تألیف بیش‌تر آن‌ها پیش از تنظیم سرفصل اخیر است، از میان آثار نسبتاً

پرشماری که با عنوان تصحیح و شرح و یا تلخیص و گزیده منطق‌الطییر آمده‌اند، بنای کار ما بر نقد و بررسی متن‌های مصحح و درس‌نامه‌های تدوین‌شده‌ای است که با اقبال بیش‌تری مواجه بوده‌اند که ذیلاً فهرست آن‌ها با رعایت تقدم تصحیح‌های انتقادی و ترتیب تاریخی ارائه می‌شود:

۱. منطق‌الطییر، به‌اهتمام و تصحیح سیدصادق گوهرین، چاپ اول (بنگاه ترجمه و نشر کتاب): ۱۳۴۲، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی؛ ۲. منطق‌الطییر، به‌اهتمام (تصحیح) احمد رنجبر، چاپ اول: ۱۳۶۶، انتشارات اساطیر؛ ۳. منطق‌الطییر، مقدمه و تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی، چاپ اول: ۱۳۸۳، انتشارات سخن (مجموعه آثار عطار-۱)؛ ۴. منطق‌الطییر، تصحیح و شرح رضا انزابی‌نژاد و سعیدالله قره‌بگلو، چاپ اول: ۱۳۸۴، انتشارات آیدین؛ ۵. منطق‌الطییر، مقدمه و تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی، چاپ اول: ۱۳۸۸، انتشارات سخن؛ ۶. منطق‌الطییر، تصحیح و توضیح محمود عابدی و تقی پورنامداریان، چاپ اول: ۱۳۹۰، انتشارات سمت؛ ۷. منطق‌الطییر عطار، تلخیص و توضیح کامل احمدنژاد و فاطمه صنعتی‌نیا، چاپ اول: ۱۳۷۲، انتشارات زوار؛ ۸. منطق‌الطییر عطار (گزیده دانشگاه پیام‌نور)، تألیف سیروس شمیسا، چاپ اول: ۱۳۷۲، انتشارات دانشگاه پیام‌نور؛ ۹. گزیده منطق‌الطییر، تلخیص و مقدمه و شرح حسین محی‌الدین الهی قمشه‌ای، چاپ اول: ۱۳۷۳، انتشارات علمی و فرهنگی؛ ۱۰. شرح گزیده منطق‌الطییر، تألیف رضا اشرف‌زاده، چاپ اول: ۱۳۷۳، انتشارات اساطیر؛ ۱۱. گزیده منطق‌الطییر عطار، انتخاب و شرح سیروس شمیسا، چاپ اول: ۱۳۷۳، انتشارات قطره؛ ۱۲. پیرنیشابور، گزیده‌ای از مثنوی‌های عطار، به‌کوشش عبدالمحمد آیتی، چاپ اول: ۱۳۷۵، انتشارات علمی و فرهنگی.

برای بررسی این آثار بنای کار را بر بررسی‌های موضوعی قرار داده‌ایم:

۱. بررسی مقدمات درس‌نامه‌ها؛ ۲. بررسی کم‌وکیف متن‌های انتخابی (در گزیده‌ها)؛ ۳. بررسی کیفیت تصحیح؛ ۴. بررسی کم‌وکیف توضیحات؛ ۵. بررسی ضمایم و فهرست‌ها.

۱.۲ نقد و بررسی مقدمات درس‌نامه‌ها

نگارش مقدمه درس‌نامه‌های متن‌محور اهمیت بسیار دارد؛ نگاهی به کم‌وکیف مقدمه‌های موفق‌ترین مجموعه‌هایی که در حکم درس‌نامه‌های متن‌محور با اقبال مواجه شده‌اند، مانند

«مجموعه ادب فارسی»، «گزیده سخن پارسی»، یا «از میراث ادبی فارسی» که عمدتاً به سفارش ناشران معتبر و به دست برجسته‌ترین متخصصان تألیف شده‌اند، بر این امر گواهی می‌دهد. در واقع گاهی این مقدمه‌ها چنان‌اند که خود تألیفی مستقل به‌شمار می‌آیند.^۲ کیفیت این مقدمه‌ها که به‌مثابه دری برای ورود به ساحت شناخت کلی مؤلف و اثر اوست درباره شاعری چون عطار اهمیت بسیار دارد، که اطلاعات متقن چندانی در خصوص زندگی و شخصیت او در دست نیست و در خصوص آثارش نیز تا ادوار اخیر اختلاف آرا زیاد بوده است. هم‌چنین این مقدمه‌ها در درس‌نامه‌های گوناگون از نظر کمیت و کیفیت بسیار متغیرند؛ مثلاً در مقدمه گزیده انتشارات علمی و فرهنگی شاعرانگی بر متن غلبه دارد و منقولات غالباً خالی از استناد است و حجم عمده‌ای از این مقدمه ۱۰۰ صفحه‌ای به نقل نمونه‌های فراوان اشعار عطار و دیگر شعرا اختصاص یافته است (الهی قمشه‌ای، ۱۳۷۳: مقدمه)؛ در مقابل این تفصیل در مقدمه، مقدمه‌گونه‌ای است که مؤلفان درس‌نامه چاپ انتشارات زوار ارائه کرده‌اند و در چهار صفحه به فشردگی تمام اطلاعات مختصری از نام و نسب عطار، احوال او، آثار او، و محتوای *منطق‌الطیر* ارائه کرده‌اند (احمدنژاد و صنعتی‌نیا، ۱۳۷۱: مقدمه). از میان دیگر درس‌نامه‌ها، مقدمه گزیده انتشارات قطره نیز به‌واسطه این‌که به پیروی از روال معمول «مجموعه ادب فارسی» دربردارنده بخش دیدگاه‌ها در دو حوزه «درباره عطار» و «درباره *منطق‌الطیر*» است سودمند افتاده است، البته به‌نظر می‌رسد گزینش این دیدگاه‌ها چندان دقیق نبوده است، چراکه برخی دیدگاه‌های بدیع و مورد توجه محققان، مثلاً برخی اطلاعاتی که شفیع کدکنی در مقدمه *مختارنامه* (چاپ اول ۱۳۵۸) در خصوص عطار و آثار مسلم او آورده، از آن فوت شده است یا برخی اقوال متناقض (مثلاً درباره تولد و وفات او) در دو موضع مختلف بی‌هیچ ترجیح یا توضیحی نقل شده‌اند. ضمناً مؤلف مقدمه‌ای هشت صفحه‌ای را که پیش‌تر در کتاب آموزشی انتشارات پیام‌نور عمدتاً در موضوع تعریف و تبیین تمثیل و ساختار تمثیلی *منطق‌الطیر* آورده است، در این چاپ، پیش از بیان دیدگاه‌ها نقل کرده که در حد فهم دانشجویان است و در فهم بهتر *منطق‌الطیر* بسیار سودمند است (شمیسا، ۱۳۷۲؛ شمیسا، ۱۳۷۳).

در مقابل، در مقدمه کوتاه گوهرین (۱۳۷۴: پانزده تا سی و یک)، در جایگاه متنی که مدت‌ها «بهترین و اصیل‌ترین چاپ‌ها» بوده است (شفیع کدکنی، ۱۳۸۳: ۱۲) و به معرفی کلی *منطق‌الطیر* و نسخه‌شناسی آن منحصر شده است، در دو تصحیح اخیر انتشارات سخن و انتشارات سمت، مخاطبان از مقدمه‌های تفصیلی و جامع مصححان بهره‌مند شده‌اند.

شفیعی کدکنی در مقدمه‌ای که افزون بر ۲۰۰ صفحه است اطلاعات بسیار ارزش‌مند و تازه‌ای در خصوص شاعر، آثارش، جایگاه او در سنت شعری فارسی، بوطیقای شعر او، پیشینه داستانی *منطق‌الطیر*، رمزگشایی از برخی داستان‌ها و عناصر داستانی، نسخه‌شناسی تفصیلی *منطق‌الطیر*، و روش تصحیح ارائه کرده است (همان: ۱۲-۲۲۱). از آن میان اطلاعاتی که در خصوص زادگاه، تولد، و مرگ او در این مقدمه ارائه شده در کنار مبحث مهم «بوطیقای شعر» عطار، جز تازگی مطالب، واجد اهمیت بسیار است، چراکه برای نخستین بار به صورتی کاملاً مستدل، به‌ویژه با طرح مسائل زبانی اشعار عطار و پسند و ناپسند او در این حوزه، به نقدهای تند حمیدی شیرازی در خصوص آنچه او «نخستین ول‌گردی‌های شعر فارسی» می‌خواند (به نقل از همان: ۱۸) پاسخی درخور داده شده است. این مقدمه تفصیلی در ویرایش دیگری از این چاپ، که صورت اصطلاحاً دانشجویی به‌خود گرفته است، با حذف بیش از نیمی از مقدمات (به‌ویژه اطلاعات درباره شیوه شاعری عطار و *منطق‌الطیر*) در ۷۰ صفحه ارائه شده است (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۲: ۷-۷۷). مقدمه‌ای که پورنامداریان و عابدی بر تصحیح خود از این متن نوشته‌اند، جز برخی مطالب درباره زبان شعر عطار و معرفی چاپ‌ها و نسخ *منطق‌الطیر*، عمدتاً برگرفته از تأملات و مقالات پورنامداریان است که پیش‌تر در کتاب *دیدار با سیمرغ* منتشر شده است و بیش‌تر ناظر بر اندیشه‌های عرفانی عطار به‌ویژه در *منطق‌الطیر* و پیشینه داستانی آن است و هم‌چنین ناظر بر تفسیر و تأویل آثار او، که از این نظر بهره‌های متفاوتی در مقایسه با مقدمه شفیعی کدکنی برای مخاطبان دارد، اگرچه به‌نظر می‌رسد این محتوا درخور حوصله بیش‌تر دانشجویان نباشد.

مقدمه دیگر درس‌نامه‌ها چنان کمیت و کیفیت و اصالتی ندارد که درخور یادکرد باشد. برای مثال، اگرچه انزایی نژاد و قره‌بگلو تصحیح تازه از متن ارائه کرده‌اند، اما به‌واقع جز پیش‌گفتاری به‌ایجاز تمام در چهار صفحه و در توصیف چاپ‌ها و برخی نسخ *منطق‌الطیر* و روش کار مقدمه‌ای بر کار خود ننوشته‌اند.

۲.۲ بررسی کم‌وکیف متن‌های انتخابی (در گزیده‌ها)

در میان مثنوی‌های عطار، به‌لحاظ پی‌رنگ داستانی، *منطق‌الطیر* ساختاری منسجم‌تر دارد. در این خصوص مصحح مثنوی‌های عطار، ضمن ترجیح دادن ساختار کلی *منطق‌الطیر* در تمامیت ساختار بر مثنوی‌های دیگر وی، معتقد است این ساختار کامل در کم‌تر اثر منظومی

در ادب فارسی یافت می‌شود و «تنها در بخش‌هایی از شاهنامه، از قبیل داستان رستم و اسفندیار، می‌توان از چنین هماهنگی و انسجامی در طرح صحنه‌ها و حوادث داستان نشانه‌ای جست» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳: ۱۰۹)؛^۳ از این رو، هر نوع گزینشی از این متن در صورت و معنای آن اختلال ایجاد خواهد کرد و در موقعیت ناگزیر نیز گزینش پاره‌هایی از این متن بسیار دشوار است. با توجه به حجم کم‌تر از پنج‌هزار بیتی این اثر، چنان‌که در مقدمه بیان شد، تنظیم‌کنندگان سرفصل قدیم «تمام منطق‌الطیر با توجه به نکات ادبی آن» را برای تدریس در نظر گرفته‌اند، اما با این حال ظاهراً تدریس و خواندن کل متن از حوصله بسیاری از استادان و دانشجویان خارج است و از این رو مؤلفان آن را تا کم‌تر از یک‌چهارم متن و ۱۰۱۵ بیت (گزیده‌های پیام‌نور و قطره) تقلیل داده‌اند. دیگر گزیده‌ها نیز حداکثر نیمی از ابیات *منطق‌الطیر* را انتخاب و ارائه کرده‌اند و همه سعی داشته‌اند، جز بخشی از سرآغاز داستان که خطاب به سیزده مرغ است و در حکم براءت استهلال برای داستان اصلی است، به‌منظور حفظ ساختار داستانی در گزینش خود این بخش‌ها را لحاظ کنند: جمع‌شدن مرغان و گفت‌وگو دربارهٔ پیدا کردن پادشاه، گفت‌وگوی مرغان با همداد و بیان عذر آن‌ها، معرفی وادی‌ها، و رسیدن سی مرغ به سیمرغ. در این میان، مشهورترین داستان فرعی *منطق‌الطیر* یعنی داستان شیخ صنعان نیز موردقبال مؤلفان این درس‌نامه‌ها بوده است و در میان درس‌نامه‌های برگزیده، جز درس‌نامهٔ چاپ انتشارات زوار، لااقل فشرده‌ای از این داستان پس از بخش بیان عذر مرغان و بیان عقبه‌های راه ارائه شده است. حذف این داستان اگرچه مستقیماً به ساختار کلی کتاب لطمه نمی‌زند، اما مخاطبان را از «یکی از بهترین و دل‌کش‌ترین داستان‌های ادبیات فارسی و شاید عمیق‌ترین و نتیجه‌بخش‌ترین آن‌ها» (مرتضوی، ۱۳۶۵: ۲۸۸) محروم می‌کند.

گزیده‌های موردبحث همگی در اوایل دههٔ ۷۰ منتشر شده‌اند و برگرفته از یا براساس تصحیح گوهرین‌اند، به‌جز درس‌نامهٔ انتشارات علمی و فرهنگی (پیرنیشابور، *گزیده‌ای از مثنوی‌های عطار*) که بدون این که تصریح شود ظاهراً بر مبنای تصحیح محمدجواد مشکور ارائه شده است، اما عمدتاً مؤلفان با اشاره به برخی اغلاط چاپ گوهرین این نکته را افزوده‌اند که گاه به نسخه‌بدل‌های آن متن و یا دیگر نسخ مراجعه داشته‌اند و متن را «به‌شیوهٔ سخن عطار نزدیک‌تر و در بیان معانی مقصود گویاتر» کرده‌اند (الهی قمشه‌ای، ۱۳۷۳: ۹۹) و یا «هر کجا [...] غلط فاحشی بوده است، که این موارد کم هم نیست، با احتیاط تمام و با ذکر علت کلمه را تغییر» داده‌اند (اشرف‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۹)؛ البته باید گفته شود که همهٔ تغییرات و اصلاحات پنج‌گانه‌ای که در مجموع ۵۹۰ بیت نخست درس‌نامهٔ اخیر (در

صفحات ۴۵، ۴۸، و ۴۹) دیده شده (از مجموع ۱۱ مورد اصلاحات در کل ۱۶۲۱ بیت درس‌نامه) دقیقاً مطابق شده است با ضبط دو تصحیح اخیر شفیعی کدکنی و عابدی - پورنامداریان، به جز این که دگرگونی‌ها و تغییرات متن دو تصحیح اخیر بسیار فراتر از این موارد معدود و انگشت‌شمار است.

مجموعاً اگر بر مدار سرفصل قدیم باشیم، دو چاپ انتشارات سخن (چاپ دانشجویی) و انتشارات سمت، با توجه به این که در بردارنده کلیت متن‌اند و در مقایسه با چاپ‌های پیشین بسیار منقح‌اند، بی‌تردید مناسب‌ترین درس‌نامه‌هایند و به‌واقع چاپ‌های پیشین را به یک‌باره منسوخ کرده‌اند.

۳.۲ بررسی کیفیت تصحیح

پیش‌تر مطالبی در خصوص سابقه تصحیح مثنوی‌های عطار نیز یاد شد. در ۲۰-۳۰ سال گذشته حدود ده تصحیح گوناگون در ایران از *منطق‌الطیر* ارائه شده است. جويا جهان‌بخش در مقاله مفصلی که در شماره‌های ۷ و ۸ *آینه میراث* (زمستان ۷۸ و بهار ۷۹) با عنوان «هنجار تصحیح متن *منطق‌الطیر*» و پیوست‌های آن در شماره بعدی *آینه میراث* منتشر کرد بر مهم‌ترین چاپ‌های آثار عطار با تمرکز ویژه بر *منطق‌الطیر* مروری انتقادی داشته است؛ گوهرین، پس از آن که ابیات متعددی را از *منطق‌الطیر* با توجه به ضبط‌های نسخه‌اساس و نسخه‌بدل‌ها بررسی می‌کند، به این نتیجه می‌رسد که دست‌نویس‌های کهن معروف به قونیه یا مراغی ۱ و ۲ (آن‌چنان که شفیعی کدکنی یاد می‌کند) «به آن اندازه که ایشان [گوهرین] به آن‌ها اعتماد کرده‌اند قابل اعتماد نبوده است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳: ۵). اکثر تأملات نویسنده مقاله در خصوص ابیات مورد اشاره با دو تصحیح انتقادی اخیر (شفیعی کدکنی و عابدی - پورنامداریان) موافق است. جهان‌بخش پس از بحث فراوان در باب این تصحیح‌ها و با توجه به «ویژگی‌های درونی» *منطق‌الطیر* و «مختصات نسخ آن» می‌گوید که این اثر «به روشی خاص در تصحیح نیازمند است» و سخت‌گیرانه و البته امیدوار به دستیابی به نسخه‌های معتبرتر می‌افزاید: «در میان مجموعه نسخ یادشده در چاپ‌های گوهرین، رنجبر، مشکور، و نسخه تورینو نمی‌توان به *منطق‌الطیر* عطار دست یافت»؛ حال آن که تصحیح‌های اخیر نیز عمدتاً براساس همان نسخه‌هایی انجام گرفته‌اند که مرجع گوهرین بوده‌اند: به پنج دست‌نویس مورد استناد گوهرین در چاپ عابدی - پورنامداریان دو نسخه قرن نهمی (۸۲۶ و ۸۲۸ق) افزوده شده است. در چاپ شفیعی اگرچه هفت نسخه افزوده شده است، ولی

عمدتاً بسیار از سه دست‌نویس ردیف اول هم به‌لحاظ قدمت و هم اعتبار ضعیف‌ترند و طبیعتاً در ردیف‌های آخر به‌لحاظ اعتبار نشست‌اند تا حدی که وی در مقام ارزیابی کلی این نسخ می‌گوید: «جز چهار نسخه اول که می‌توان برای آن‌ها نوعی ترتب، در اعتبار، قائل شد، بقیه نسخه‌ها دارای ارزش‌های موردی‌اند و غالباً شبیحی از سخن عطار را در خود نگاه داشته‌اند» (همان: ۲۲۹)؛ البته جهان‌بخش با این بیان افسوس‌مند که: «از عرصه تصحیح استاد دکتر شفیعی کدکنی هم که از سال‌ها پیش وعده‌اش زبان‌گرد کتاب‌دوستان بوده هنوز خبری نیست و دور است که آن نازنین اوستاد به این زودی‌ها دست از باریک‌بینی و ریزه‌کاری در سامان‌دهی چنین متنی بردارد» (جهان‌بخش، ۱۳۷۸: ۵)، نهایتاً برای تصحیح متنی چون *منطق‌الطیر* روشی دو مرحله‌ای (اصلاح نسخه اساس از اغلاط آن‌گاه مقابله نسخ) را پیش‌نهاد می‌دهد که خود منوط به کسب صلاحیت‌های پنج‌گانه‌ای در حوزه شناخت زبان عطار و آثار کهن و مصطلحات صوفیه است، به‌هم‌راه دقت در خطوط کلی ماجرا و ملاحظه ویژگی‌های روحی و جهان‌بینی عطار (همان: ۱۹-۲۰). جز این مقاله جهان‌بخش که در دل خود مطالب و مواد دو مقاله انتقادی دیگر را دارد، رضا اشرف‌زاده ضمن نقادی که در *نامه فرهنگستان* (ش ۲۴، زمستان ۱۳۸۳) بر یکی از چاپ‌های دیگر *منطق‌الطیر* می‌نویسد به دو ایراد اساسی عده‌ای دیگر از تصحیح‌ها نیز اشاره می‌کند: اول این که نسخه اساس آن‌ها ضعیف و کم‌اعتبار است و دیگر این که مصححان درک درستی از کیفیات زبان شعر عطار ندارند (اشرف‌زاده، ۱۳۸۳: ۸۸-۱۰۰). به‌واسطه همین درک نادرست از بوطیقای عطار، طی زمان حتی برخی کاتبان تعابیر عطار را به تصور ایراد وزنی و تفاوت آن با زبان شعر کلاسیک به تدریج تغییر داده‌اند و این موضوع به درس‌نامه‌ها و متون مصحح روزگار ما نیز رسیده است و در آن میان سه تصحیح مستثنی‌اند: تصحیح گوهرین که با توجه به قدمت آن اگرچه در خصوص این کیفیات زبانی و شعری نه در مقدمه و نه در نقل نسخه‌بدل‌ها و نه در توضیحات هیچ‌گونه اشاره‌ای ندارد، اما لااقل متن را دگرگون نکرده است و به اقدام نسخ عموماً وفادار مانده است؛ تصحیح شفیعی کدکنی، چنان‌که پیش‌تر گفته شد، اساساً بخشی از مقدمات و پاره‌های متعدد و پرشماری از توضیحاتش به تبیین بوطیقای عطار اختصاص دارد، و نهایتاً تصحیح عابدی و پورنامداریان که ذیل عنوان «ملاحظات در زبان و شعر عطار» (صفحات ۶۵-۷۴) به این کیفیات که عمدتاً «نتیجه پیوندی است که [شعر عطار] با زبان محاوره دارد» اشاره می‌کند و مصححان هم در این موضع و هم در توضیحات متعددی که در بخش تعلیقات و توضیحات آورده‌اند به توضیحات شفیعی کدکنی در این خصوص ارجاع می‌دهند، اما

در خصوص نسخه‌ی اساس به تعبیری می‌توان گفت هر سه تصحیح یک نسخه‌ی اساس داشته‌اند: نسخه‌ی اساس همگی دو دست‌نویس است که شفیع‌ی آن‌ها را با توجه به انجامه‌ی متن «مراغی ۱» و «مراغی ۲» خوانده است و هر دو به نظر می‌رسد حوالی «شش‌صد و هشتاد و اند» به دست یک نفر کتابت شده‌اند (شفیع‌ی کدکنی، ۱۳۸۳: ۲۱۰-۲۱۱؛ عابدی و پورنامداریان، ۱۳۹۰: ۷۵؛ گوهرین، ۱۳۷۴: بیست و پنج تا بیست و هفت).

متن مصحح گوهرین (بنگاه ترجمه و نشر کتاب: ۱۳۴۲) ۴۶۹۶ بیت دارد. در مقدمه‌ی کوتاه این چاپ گوهرین با زبانی شاعرانه به معرفی اجمالی *منطق‌الطیبر* و عطار پرداخته است و خواننده را برای شناخت بیشتر عطار به کتاب *دریای جان* اثر هلموت ریتز، که هنوز ترجمه نشده بود، ارجاع داده است. هم‌چنین مصحح در مقدمه به معرفی نسخ مورد استفاده‌ی خود پرداخته است (دو دست‌نویس مراغی مربوط به اواخر قرن هفتم، دو نسخه‌ی قرن هشتمی و نهمی، و چاپ گارسن دوتاسی (پاریس، ۱۸۵۷ م)). با این‌که این تصحیح اغلاط فراوان دارد و این موضوع را اکثر مؤلفان گزیده‌ها و مصححان بعدی یادآور شده‌اند، اما شفیع‌ی کدکنی در مقدمه‌ی تصحیح خود می‌گوید «با آن همه غلط‌های فاحش و شگفت، هنوز [۱۳۸۲] بهترین چاپ است»، چراکه «چاپ‌هایی که نسبت به چاپ گوهرین کم‌غلط‌تر به نظر می‌رسند آن‌هایی هستند که کاتبان یا مصححان آن‌ها کوشیده‌اند به میل و سلیقه‌ی خود 'اصالت' سخن عطار را قربانی 'فهم و تشخیص' خود کنند» (شفیع‌ی کدکنی، ۱۳۸۳: ۱۲). پس از مروری بر تصحیح‌های دیگر، در همین بخش مقاله به‌طور مجزا بین بخش تحمیدی‌ی این متون مصحح مقایسه‌ای ارائه خواهد شد.

متن مصحح شفیع‌ی کدکنی در سال ۱۳۸۳ و در قالب مجلد اول از «مجموعه آثار عطار» منتشر شد. انتشار مجموعه «مثنوی‌های عطار» از این مجموعه بزرگ‌تر (۱۳۸۳-۱۳۸۶)، با توجه به آنچه گفته شد، در سال‌های اخیر فتح بابی در عطارپژوهی و عطارشناسی بوده است و لاقل در خصوص متن *منطق‌الطیبر* با اطمینان می‌توان گفت این چاپ تصحیح‌ها و درس‌نامه‌های پیش از خود را نسخ کرده است. این متن در فاصله‌ی چاپ نخست تاکنون، ضمن تجدید چاپ‌های مکرر، با توجه به مشخصات شناس‌نامه‌ای متن (لاقل در چاپ دوم، ۱۳۸۴) و یادداشت مصحح در چاپ به‌اصطلاح دانشجویی (شفیع‌ی کدکنی، ۱۳۹۲: ۵)، به‌ویژه در حوزه «متن»، چند بار ویرایش و بازبینی شده است و این امر از دغدغه‌ی جدی وی در خصوص این متن حکایت می‌کند. شفیع‌ی در پیش‌گفتار این کار را «حاصل متجاوز از ۳۰ سال تأمل و تدریس و دقت در مجموعه آثار عطار و مجموعه تصوف خراسان و منابع بیکران اندیشه عطار» (شفیع‌ی کدکنی، ۱۳۸۳: ۱۳) توصیف می‌کند و به‌واقع مقایسه

متن مصحح وی با متون پیش از وی مؤید این موضوع است. نمونه‌های فراوانی از تأملات وی را می‌توان در این موضع ذکر کرد که به دو نمونه برجسته اشاره می‌شود:
در همان صفحات آغازین متن، در چاپ گوهرین (گوهرین، ۱۳۷۴: ۹) و همه چاپ‌های پیش از متن شفیع، بیتی به این صورت درج شده است:

آفتاب از شوق تو رفته ز هوش هر شبی در روی می مالید گوش

البته درخصوص معنای این بیت گوهرین هیچ توضیحی نداده است؛ دیگر شارحان و مصححان نیز گاه آن را تغییری اندک و بسیار داده‌اند و مثلاً انزابی نژاد و قره‌بگلو مصراع دوم آن را، بدون اشاره به نسخه‌بدل دیگری، به صورت «هر شبی بر خاک می‌مالد دو گوش» ضبط کرده‌اند (انزابی نژاد و قره‌بگلو، ۱۳۸۸: ۲۴) و ضمن اشاره به این که «گوش بر خاک مالیدن در فرهنگ‌ها نیامده، اما رخ بر خاک مالیدن به معنی اظهار نهایت بندگی و فرمان‌برداری» آمده است، «تصویر شاعرانه نزدیکی خورشید به زمین در هنگام غروب» را «قابل توجه» دانسته‌اند (همان: ۲۴۴)؛ یا در تصحیح دیگری (رنجبر، ۱۳۷۰: ۴۱) مصراع دوم را به این صورت آورده‌اند: «در درون خود زده آتش ز جوش» و شرحی متناسب با این صورت مسخ‌شده آورده‌اند؛ حال آن‌که این نحوه خوانش از روی نسخ قطعاً ناشی از تصحیف واژه «لوش» است در مقابل تعبیر قرآنی «حَمِيَّة» که درباره غروب خورشید در داستان ذوالقرنین به کار رفته است: «حتی إذا بَلَغَ مَغْرِبَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَغْرُبُ فِي عَيْنِ حَمِيَّةٍ» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳: ۴۶۱-۴۶۲) و بر این اساس صورت صحیح این بیت، که در چاپ عابدی و پورنامداریان نیز درخصوص تعبیر مورد بحث اتفاق نظر است، این گونه است:

آفتاب از شوق تو رفته ز هوش هر شبی در روی می مالیده لوش

(همان: ۲۳۶).

نمونه‌ای دیگر را باز در همان صفحات آغازین (بیت ۱۳۶) متن گوهرین می‌خوانیم:

جمله دارند ای عجب دامن به دست وز همه دورند و با او هم نشست

بنا به گزارش شفیع (همان: ۴۶۰) در دست‌نویس‌های کهن قافیه بیت دوم این صورت‌ها را دارد: جست / خست / دست / بست. در نسخه مراغی ظاهراً کاتب برای رهایی از ابهام مصراع آن را به صورت «وز همه دورند و با او هم نشست» ثبت کرده است. دیگر مصححان و شارحان نیز صورت‌های دیگری را برگزیده‌اند: انزابی نژاد و قره‌بگلو: عذر می‌آرند و می‌جویند پست (انزابی نژاد و قره‌بگلو، ۱۳۸۸: ۲۳)؛ رنجبر: وز طلب نایافته هرگز

نشست (رنجبر، ۱۳۷۰: ۴۵)؛ عابدی و پورنامداریان: وز همه دورند و با او هم‌نشست (عابدی و پورنامداریان، ۱۳۹۰: ۹۳). به‌مانند مثال پیشین، انزایی نژاد و قره‌بگلو (انزایی نژاد و قره‌بگلو، ۱۳۸۸: ۲۴۴) اشاره کرده‌اند که در این مصراع ابهامی هست و افزوده‌اند: «ظاهراً پست قید است به معنی با پستی و حقارت. در فرهنگ‌ها دیده نشد». عابدی و پورنامداریان ضبط ساده‌شده نسخه اساس را پذیرفته‌اند (عابدی و پورنامداریان، ۱۳۹۰: ۶۷) و قرینه‌ای محتوایی از شعر سنایی برای آن مفهوم آورده‌اند (همان: ۳۰۳)، اما شفیعی کدکنی با توجه به نسخه‌ای قرن نهمی که «همواره ضبط‌های کهن دارد» و برخی قرینه‌ها (سخن برهان قاطع در خصوص معنی خست و بیتی از غزلیات شمس که وجود تعبیر «آستین‌خاییدن» را تأیید می‌کند) دو وجه غریب اما محتمل برای بیت در نظر می‌گیرد: «عذر می‌آرند و می‌جویند جست (راه‌جستن و فرار را می‌جویند) / عذر می‌ارند و می‌خایند خست (آستین خود را از درماندگی می‌خایند)». به‌هرحال ضبط مختار دو چاپ اخیر (شفیعی و عابدی - پورنامداریان) هریک صورتی موجه ارائه کرده است، اما اگر اصل ترجیح ضبط دشوار را در چنین مواردی بپذیریم، توضیحات شفیعی پذیرفتنی‌تر می‌نماید.^۶

نکته‌ای مهم در باب متن مصحح شفیعی در این مقام گفتنی است و آن فقدان بخش گزارش نسخه‌بدل‌هاست؛ البته مصحح در این خصوص، و در مقدمه مصیبت‌نامه، با توجه به این‌که گزارش برخی اختلاف نسخ مصیبت‌نامه و منطق‌الطیر را در تعلیقات آورده است، استدلال کرده است که «ما در مواردی به ضبط نسخه‌های دیگر پرداختیم که ضرورت ایجاد می‌کرد که خواننده در جریان کار قرار گیرد» و معتقد است که نقل ضبط‌های غلط و بی‌معنی کم‌ترین ارزشی ندارد (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶: ۱۱۴). هرچا لازم بوده نسخه‌بدل‌ها و چرایی انتخاب آن‌ها در خلال تعلیقات ذکر شده است، اما با این حال توصیف نسخه‌بدل‌ها برای بسیاری از پژوهش‌گران بسیار لازم و مغتنم است، به‌طوری‌که این بخش در الهی‌نامه تصحیح شفیعی گنجانده شده است.

آخرین تصحیح قابل‌تأمل منطق‌الطیر کار مشترک محمود عابدی و تقی پورنامداریان است که بنا به «اشاره» فروتنانه‌ای که مصححان دارند (عابدی و پورنامداریان، ۱۳۹۰: ۱)، به‌لحاظ کاری که ارائه شده است، «تفاوت‌هایی» (بی‌هیچ ادعای ترجیحی) میان کار شفیعی و کار ایشان وجود دارد.

نسخه اساس این تصحیح یکی از دست‌نویس‌های دوگانه معروف به مراغی است که چنان‌که پیش‌تر بیان شد اواخر قرن هفتم کتابت شده است، اما مهم‌ترین تفاوت‌های نسخه‌های مورد‌استناد عابدی - پورنامداریان و شفیعی کدکنی مربوط می‌شود به: ۱.

عابدی - پورنامداریان از نسخه‌ای به تاریخ ۸۲۶ ق (با رمز «س») بهره برده‌اند و در حکم چهارمین نسخه معتبر بدان تکیه کرده‌اند (همان: ۷۸) که در فهرست دست‌نویس‌های شفיעی نیست؛ ۲. شفיעی کدکنی از نسخه معروف به *دارالمثنوی* به تاریخ ۸۱۱ ق به عنوان «یکی از بهترین نسخه‌های شناخته‌شده منطلق الطیر در جهان» (شفיעی کدکنی، ۱۳۸۳: ۲۱۴) یاد می‌کند و آن را از نظر اعتبار چهارمین نسخه معتبر و موردارجاع خود می‌شمارد در صورتی که عابدی - پورنامداریان آن را در ردیف هفتم نسخه‌های معتبر ذکر می‌کنند و صراحتاً اعلام می‌کنند که این نسخه با وجود متقدم‌بودن بر نسخه مورخ ۸۲۶ ق «در صحت و اعتبار بر آن ترجیحی ندارد» (همان: ۸۰). مبنای اصلی تفاوت‌های تصحیح بین دو چاپ یادشده این دو مورد است و گرنه در خصوص ترجیح هرگونه ضبطی به جای ضبط نسخه اساس، مصححان هر دو تصحیح، روشی یکسان داشته‌اند؛ شفיעی کدکنی وقتی موارد عدول از نسخه اساس را برمی‌شمارد، نهایتاً می‌گوید:

با این همه مصحح در چند مورد به نوعی تصحیح قیاسی دست زده است که [...] هر کس با تاریخ زبان فارسی و مسائل فنی تصحیح متن آشنایی کافی داشته باشد، آن تصحیح‌های قیاسی را اموری قطعی و مسلم به حساب می‌آورد ... تمامی این موارد، صراحتاً، یادآوری شده است (همان: ۲۲۶).

عابدی و پورنامداریان نیز، پس از برشمردن ملاحظاتاتی که در تصحیح و اختیار نسخه‌بدل‌ها در نظر داشته‌اند، اذعان دارند که در برخی موارد به تصحیح ذوقی متوسل شده‌اند و می‌افزایند: «بنابراین از هرگونه انتخاب ذوقی نامستند پرهیز کرده‌ایم» (عابدی و پورنامداریان، ۱۳۹۰: ۸۱).

گذشته از این اشتراکات در مبانی و روش، چنان‌که مصححان گفته‌اند، کارشان تفاوت‌هایی دارد و اتفاقاً در برخی موارد به نظر می‌رسد گزینش‌هایی درست‌تر داشته‌اند؛ برای نمونه این مصححان براساس قراین نسخه اساس در بیت‌های ۷۲۹، ۳۰۱۲، ۲۱۴، ۲۲۱۷ و ۴۱۸۵ دریافته‌اند که:

واژه 'اگر' در همه این ابیات به معنی 'بعید است که، حاشا، کی' به کار رفته است [...] و کاتبان به دلیل غرابت کاربرد آن را به شیوه‌های دیگر و مثلاً 'کی' یا 'کجا' یا 'کرا' به کار برده‌اند (همان: ۸۳)؛ نیز ذیل توضیحات بیت (۲۱۴)؛

حال آن‌که در چاپ شفיעی، در مقابل واژه «اگر» در ابیات اول، دوم، و پنجم یادشده، با وجود نسخه اساس، ضبط دیگر نسخ یعنی «کی» انتخاب شده است.

در مقابل این ترجیح‌ها، البته مواردی هم هست که مصححان از نسخه‌ی اساس عدول کرده‌اند، اما شفیعی صورت نسخه‌ی اساس را با توضیحات قانع‌کننده‌ای برگزیده است؛ مثلاً در بیت ۶۲۰ متن آورده‌اند:

کرد از جان مرد موسیقی شناس لحن موسیقی خلقت را سپاس

اما شفیعی وفق نسخه‌ی اساس مصرع دوم را (در بیت ۶۲۳) این‌گونه ضبط کرده است: «لحن موسیقی خلقت را سپاس» و در توضیح و توجیه صحت این تعبیر، که در بیت ۶۴۹ نیز آمده است، در توضیحات به‌نظر/خوان/الصفحا درخصوص «علم نسبت‌ها» در نظام کاینات که موسیقی خوانده می‌شود اشاره‌ی قانع‌کننده‌ای دارد (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳: ۵۲۵-۵۲۶).

تصحیح‌های دیگر این متن چندان قابل توجه نیستند جز کار مشترک انزایی نژاد و قره‌بگلو. این تصحیح بر مبنای هشت چاپ و دست‌نویس تنظیم شده است و دست‌نویس‌ها و چاپ‌هایی که در کار شفیعی و عابدی - پورنامداریان از نظر اصالت و اعتبار در ردیف‌های پنجم و ششم قرار دارند، مانند چاپ گارسن دوتاسی و نسخه‌ی خطی کتاب‌خانه‌ی تورینو (چاپ عکسی مرکز نشر دانشگاهی)، ظاهراً بنا به شماره‌ی ترتیبی که در معرفی آن‌ها لحاظ شده است در این کار در ردیف‌های اول و دوم قرار دارند (انزایی نژاد و قره‌بگلو، ۱۳۸۸: ۱۶). مصححان از طریق پانوشته‌های چاپ‌های پیشین، به‌ویژه دو چاپ گوهرین (تهران ۱۳۴۲) و مشکور (تبریز ۱۳۳۷)، به دست‌نویس‌های قدیمی استناد کرده‌اند و این خود ضعف بزرگی است.^۷ ضمناً در هیچ موضعی تصریح نشده که کدام نسخه و یا حتی چاپ به‌منزله نسخه‌ی اساس در نظر گرفته شده است و توضیحات پیش‌گفتار مصححان چندان روش کار را روشن نمی‌کند:

در تصحیح حاضر، اعتبار اقدام نسخ و حرمت نسخه‌های کهن محفوظ بوده است، اما هرگاه صحت و حجیت نسخه‌ی متأخرتری روشن و قطعی می‌نمود و یا آن‌جا که خطای کاتب و ناسخ نسخه‌ی کهن مسلم بود، ضبط درست‌تر را بر نادرستی نسخه‌ی متقدم ترجیح دادیم (همان: ۱۵).

با تطبیق برخی ابیاتی که شفیعی کدکنی یا عابدی - پورنامداریان در بیان ویژگی‌های خاص زبانی عطار آورده‌اند با چاپ اخیر روشن می‌شود که مصححان در کار خود چندان توفیقی نداشته‌اند:

شفیعی کدکنی (۱۳۸۳: ۲۲۴) در بیان صورت صحیح دو بیت شماره‌های ۱۶۲۵ و ۴۱۴۴ به تفصیل استدلال می‌کند که با وجود ظاهر ناتن درست قافیه صورت‌های صحیح این‌گونه است:

بود راهی خالی السیر ای عجب ذره‌ای نه خیر و نه شر، ای عجب
من که نه من مانده‌ام نه غیر من برتر است از عقل خیر و شر من

اما این دو بیت در تصحیح مورد بحث، بدون در نظر گرفتن بافت تاریخی زبانی و گویشی آن، این‌گونه آمده است:

بود راهی خالی از سیر ای عجب ذره‌ای نه شر و نه خیر ای عجب

(همان: ۹۰)

من که نه من مانده‌ام نه غیر من برتر است از عقل شر و خیر من

(همان: ۲۰۶)

یا در خصوص بیت ۱۳۲۵ در چاپ شفیع‌ی صورت صحیح بیت، با وجود تصرف ذوقی کاتبان متأخر، به واسطه این که «در بوطیقای عطار مقصود/ سوذ قابل قافیه شدن نیست، زیرا یکی دال است (مقصود) و دیگری ذال است (سوذ)» (همان: ۲۲۵) این‌گونه است:

ای لب و زلفت زیان و سود من روی و کویت مقصد و بهبود من

و این بیت را تصحیح مورد بحث (همان: ۷۸) و حتی عابدی و پورنامداریان (۱۳۹۰):

(۱۴۵) با ترجیح نسخه‌های متأخر این‌گونه ضبط کرده‌اند:

ای لب و زلفت زیان و سود من روی و کویت مقصد و مقصود من

در این بخش به لحاظ اهمیت موضوع و افزودن سنجش تصحیح‌های دیگر مورد بررسی نگاهی می‌اندازیم به تفاوت‌های متون مصحح پنج‌گانه مورد بررسی از ۲۶۴ بیت نخست تحمیدیه منطق‌الطیر بر مبنای چاپ شفیع‌ی کدکنی:

تحمیدیه تصحیح گوهرین دارای همان ۲۶۴ بیت است و جز دو مورد جابه‌جایی چشم‌گیر ابیات (در موضع بیت‌های ۱۸ و ۱۹، ۸۵ و ۸۶) دارای ۴۰ مورد اختلاف در تصحیح است که این موارد، چنان‌که دکتر شفیع‌ی هم یادآور شده، عمدتاً از گونه غلط‌خوانی است (بگذاشت/ بگداخت؛ این/ دین؛ بلکه/ ملک؛ زعم/ زهم؛ یکی/ یکی؛ سحر/ مهر؛ گر/ کو؛ نبینی/ ببینی؛ نبود/ بُرد، و مانند آن). موارد اختلاف اساسی در مصراع‌های دوم دو بیت ۱۳۶ و ۱۵۲ این چاپ است که پیش‌تر به این مصراع‌ها اشاره رفت. از این قیاس روشن می‌شود که چرا شفیع‌ی کدکنی پس از گذشت حدود ۴۰ سال از این چاپ و انتشار چندین چاپ دیگر، هنوز بهترین چاپ را همان چاپ گوهرین می‌دانست (شفیع‌ی کدکنی، ۱۳۸۳: ۱۲).

تحمیدیه در چاپ رنجبر دارای ۲۰۳ بیت (در مقابل ۲۶۴ بیت چاپ شفیعی) است و در بین تصحیح‌های مورد بررسی با همهٔ دیگر متن‌های ارائه‌شده بیش‌ترین تفاوت (هم به‌لحاظ تعداد ابیات هم ترتیب آن‌ها و هم اختلاف ضبط) را دارد و با چاپ شفیعی کدکنی ۱۸۷ مورد اختلاف در تصحیح دارد که شمار قابل‌توجهی از آن‌ها از نوع تغییر واژگانی است که قطعاً نتیجهٔ غلط‌خوانی نبوده و نتیجهٔ تصرف کاتب نسخهٔ اساس مصحح است. از این میان بیش از ده مورد از این اختلاف‌ها بیت یا مصراع را از نظر لفظ و معنی اساساً تغییر می‌دهد. ضمن این‌که مجموعاً یازده مورد نیز اختلاف در ترتیب ابیات وجود دارد؛ از این نظر، محصول نهایی این تصحیح بیش‌ترین اختلاف و فاصله را با همهٔ متن‌های مصحح دیگر دارد و این اختلاف نشان‌دهندهٔ ضعف این تصحیح و گزینش تصرفات نابه‌جای کاتبان متأخر است.

تصحیح انزابی‌نژاد و قره‌بگلو با ۲۵۳ بیت تحمیدیه نزدیک به ۱۱۰ مورد اختلاف با متن مصحح شفیعی کدکنی دارد و جز دو مورد جابه‌جایی در ابیات (در موضع ابیات ۱۶۱ و ۱۶۲، ۲۲۸ و ۲۲۹) شمار قابل‌توجهی از تفاوت‌هایش با متن شفیعی در برخی ضمائر (این/ آن، او/وی) و حروف (با/در، در/بر، از/در، با/بر، و نه/نی) است که عموماً تغییری در معنا ایجاد نمی‌کند و بیش‌تر ناظر بر ویژگی‌های گویشی شعر عطار است. در مصراع دوم بیت ۷۴ نیز، مانند دیگر چاپ‌های پیش از تصحیح شفیعی کدکنی و اکثریت نسخ، صورت نادرست آن ثبت است.

هر شبی بر خاک می‌مالد دو گوش هر شبی در روی می‌مالیده لوش

تحمیدیهٔ متن مصحح عابدی - پورنامداریان ۲۶۲ بیت دارد و در دو موضع از نظر ترتیب ابیات با چاپ شفیعی اختلاف دارد (در موضع ابیات ۱۷۰ و ۱۷۱، ۲۳۷ و ۲۳۸) و مجموعاً ۴۰ فقره اختلاف در تصحیح دیده می‌شود که از آن میان فقط یک مورد آن (مصراع دوم بیت ۶۷: وز همه دورند و با او هم‌نشست/ عذر می‌آرند و می‌جویند جست) تفاوت عمده است و باقی تمایزهای این تصحیح، با توجه به این‌که نسخه‌های اساس هر دو تصحیح را چنان‌که گفته شد می‌توان در حکم واحد در نظر گرفت، عمدتاً از مقولهٔ اختلاف در دو‌گانه‌خوانی نسخ (پُر/ بر، رهبر/ ره بر، گردون/ گردان، بس/ پس، این/ آن، مردی/ مرد، هُش/ هوش، می‌مالید/ می‌مالیده، کو/ گر) و موارد معدودی در ضبط حروف (بر/در، وز/تا، نی/نه) و مجموعاً بسیار ناچیز است؛ چنان‌که می‌توان گفت از نظر محصول نهایی کار این دو تصحیح اشتراک کیفی بسیاری با هم دارند. ضمناً، با وجود داشتن نسخه‌های اساس متفاوت، هم‌بستگی بسیاری نیز بین دو تصحیح انزابی‌نژاد -

قره‌بگلو و عابدی - پورنامداریان هست به‌حدی که از مجموع ۴۰ فقره اختلاف در تصحیحی که در کار عابدی - پورنامداریان احصا شد ضبط هجده مورد آن عیناً همان گزینش انزابی‌نژاد - قره‌بگلو است و به این امر یک سانی دو متن در حذف برخی ابیات و ترتیب ابیات را نیز باید افزود.

۴.۲ بررسی کم‌وکیف توضیحات

در مواجهه با متون کهن، پس از ارائه صورت صحیحی از متن، مهم‌ترین کار، به‌ویژه در متون درس‌نامه‌ای، ارائه توضیحات و تعلیقات است. از این نظر توضیحات گوهرین (۱۳۷۴: ۲۶۳-۳۳۸) بیش‌تر ناظر به اقتباسات و تلمیحات قرآنی و تاریخی است و در ضمایم کتاب بخشی (همان: ۳۴۱-۳۶۶) به فهرست الفبایی لغات و اصطلاحات و تعبیرات و برخی اعلام به همراه توضیحاتی مجمل اختصاص داده شده است؛ البته شیوه مرسوم درس‌نامه‌ها ارائه همه توضیحات تلمیحی و واژگانی و ادبی و مانند آن، ذیل شماره بیت و صفحه است، چنان‌که در اکثریت درس‌نامه‌های بررسی‌شده می‌بینیم و از این نظر در چاپ گوهرین توضیحات زبانی، با وجود ضرورت بسیار، اساساً وجود ندارد و هم شیوه ارائه مناسب نیست. گزیده انتشارات علمی و فرهنگی نیز از نظر توضیحات بسیار ضعیف است و فقط واژه‌نامه‌ای الفبایی (الهی قمشه‌ای، ۱۳۷۳: ۱۹۷-۲۴۸) دارد که توضیحاتی مجمل برای واژگان دشوار و اعلام تاریخی ارائه کرده است. دو گزیده انتشارات پیام‌نور و قطره از نظر توضیحات دانشجویی موفق‌اند، به‌جز این‌که در برخی مواضع که تأثیر ویژگی‌های گویشی در منطق‌الطیر هنوز روشن نبوده است توجیهاتی عروضی برای این وجوه گویشی آمده است:

در توضیح بیت:

تا که نکند کره عمری سرکشی تن فرو ندهد به آرام و خوشی

می‌خوانیم: «نکند، ندهد: به جای دو هجای کوتاه یک هجای بلند آورده است (تسکین)» (شمیسا، ۱۳۹۳: ۹۳). در صورتی که اساساً پای قاعده عروضی تسکین در میان نیست، بلکه براساس آنچه بعداً پژوهش‌گران نشان داده‌اند:

گذشته از این‌گونه التقای سواکن [...] در عروض عطار، کلمات تلفظ‌های ویژه خویش را دارند که کم‌وبیش متأثر از آواشناسی لهجه طبیعی محیط زندگی اوست [...] کلماتی از نوع «نکند» [...] یا «شَنوتد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳: ۹۴).

در موضعی دیگر از همین درس‌نامه شمیسا (۱۳۹۳: ۱۱۶) دو مورد از این تأثیرات گویشی را در خصوص واژه‌های «نهراسد و برساندم» از منطق‌الطیبر در حکم نمونه‌هایی از استفاده از قاعده تسکین و در عداد عیوب شعر آورده است که با وجود توضیحات مقدمات دو متن مصحح اخیر وجهی دیگر دارند و آنچه در توجیه عروضی صورت «جوامردی» در منطق‌الطیبر به جای «جوان‌مردی» (همان: ۱۴۷) آمده است نیز مشخصاً توجیهی گویشی دارد. در توجیه همین صورت گویشی، شارحی دیگر به این توضیح غیردقیق اکتفا کرده است که: «جوامردی: جوان‌مردی، صورت قدیم کلمه است» (اشرف‌زاده، ۱۳۸۶: ۲۵۷).

از ایرادهای معمول بسیاری از درس‌نامه‌ها که گاهی اجتناب‌ناپذیر هم به‌نظر می‌رسد برخی توضیحات زاید است. برای نمونه: «عابد: عبادت‌کننده»، «دم: نفس»، «زرنگار: آن‌که نقش‌های طلائی دارد»، «رخنه: سوراخ»، «صبور: شکیبیا»، «طریق: راه»، و «رفیق: هم‌راه» به‌ترتیب ذیل بیت‌های ۷۷۴، ۷۷۶، ۷۹۷، ۸۰۳ و ۱۱۷۲ و دو مورد آخر ذیل ۱۱۸۶ زیاده از حد توضیح واضح است (اشرف‌زاده، ۱۳۸۶).

با توجه به آنچه در باب ایرادهای کار مصححان بیان شد، طبیعتاً در بسیاری مواضع توجیه معنایی ابیاتی که به‌صورت درستی تصحیح نشده‌اند از ایرادهای درس‌نامه‌هاست و به برخی از آن‌ها برای نمونه پرداخته شد، اما پژوهش‌های اخیر نیز خالی از ایرادها و اشتباه‌ها نیستند. برای نمونه، «مرغ زرین» پرندای مستقل در نظر گرفته نشده است (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳: ۱۷۶-۱۷۷)، ولی به گواهی نوشته خود مصحح از «سیاق سخن عطار، به‌ظاهر، چنان می‌نماید که 'مرغ زرین' هم پرندای است در شمار دیگر پرندگانی که نام و نشان ایشان را عطار آورده است» (همان): به دلایل دیگری نیز این نام مربوط به پرندای مستقل از باز است. افزون‌بر توضیحاتی که شارحان بعدی در خصوص این تمایز ذکر کرده‌اند (مثلاً عابدی و پورنامداریان، ۱۳۹۰: ۳۵۴)، نظم ذهنی عطار که در سراسر آثارش مشهود است در بخش خطاب به مرغان نیز کاملاً آشکار است: خطاب هر یک از مرغان پنج بیت است و به‌ترتیب با تعبیر «مرحبا» و «خه‌خه» یکی در میان می‌آید، برای مرغ زرین نیز همین خطاب به‌کار رفته است. ضمناً یک ضرب‌المثل هم در کدکن رواج دارد بدین مضمون که «عاقبت، مرغ زرین نوکش در فضله‌اش گیر می‌کند» و داستانی برای این مثل نقل می‌کنند و در ضمن آن مرغ زرین را همان سیم‌مرغ می‌دانند.^۸

یا چنان‌که عابدی و پورنامداریان (همان: ۲۹۸) در شرح بیت:

چون سگی را مرد آن قربت کند شیرمردی را به سگ نسبت کند

آورده‌اند که مصراع دوم اشاره به بلعم باعور دارد، نه آن‌چنان‌که شفیعی کدکنی وصف مصراع دوم را نیز مرتبط با اصحاب کهف دانسته است (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳: ۴۵۵).^۹

تعلیقات چاپ شفیعی کدکنی البته مزایای بسیاری دارد که در مقام مقایسه با چاپ عابدی - پورنامداریان لازم است به پشتوانه غنی منابع کهن مورد استفاده او اشاره کرد که عمدتاً در خصوص توضیحات واژگانی و ادبی اولاً به دیگر آثار عطار ارجاع دارد و پس از آن به بسیاری از منابع کهن تر از عطار و این بهترین شیوه تعلیقه‌نویسی است. این امر نیز که مصحح خود گویشور کدکن، زادگاه عطار، است در حوزه استدراکات او درباب تأثیر «تعلق خاطری که [عطار] به زبان روز و گونه محلی نیشابور عصر خود داشته» (همان: ۹۳) به پژوهش او غنا و اعتباری دیگر بخشیده است. درمقابل، اگرچه تعلیقات و توضیحات چاپ عابدی - پورنامداریان در مقایسه با همه آثار دیگری که به شرح و توضیح منطق الطیر پرداخته‌اند ترجیح آشکار دارد، اما در مقایسه با تعلیقات شفیعی برخی مزیت‌ها را ندارد: مشخصاً در تعلیقات کتاب حضور محمود عابدی، مصحح کشف‌المحجوب، و ظاهراً شیفته سخن حافظ و سعدی شیرازی، بیش‌تر محسوس است. در بسیاری از مواضع شواهدی لغوی از کشف‌المحجوب ذکر شده است و نیز در موارد بسیاری به آثار سعدی و حافظ و یا تحفه‌العراقین خاقانی استناد شده است و با توجه به این‌که حافظ و سعدی متأخرتر از عطارند و هر سه از نظر اقلیم زندگی و حوزه فکر و اندیشه با عطار بسیار متفاوت‌اند، تأیید سخن عطار با سخن آنان خواننده دقیق‌النظر را راضی نمی‌کند.

۵.۲ بررسی ضمایم و فهرست‌ها

متون کهن گنجینه‌هایی از مواد فرهنگی‌اند که پر از اطلاعات ریز و درشت گوناگون زبانی، ادبی، تاریخی، و مانند آن‌اند. این گنجینه‌ها وقتی از دل دست‌نویس‌های کهن بیرون می‌آیند و به زیور طبع آراسته می‌شوند انتظار می‌رود که، جز ارائه متنی پاکیزه و توضیحات واژگانی و مانند آن، برای سهولت در بهره‌برداری مخاطبان ضمایم و فهرست‌های متناسب نیز داشته باشند. در مواجهه با منظومه‌هایی چون منطق‌الطیر انتظار می‌رود، جز فهرست منابع، فهرست الفبایی آیات، واژگان و تعبیرات، اعلام تاریخی و جغرافیایی، قبایل و فرق، و آیات و احادیث مورداشاره را داشته باشد. این موضوع منحصر به متون کامل نیست و برای درس‌نامه‌ها نیز برخی از این فهرست‌ها (لااقل فهرست واژگان و تعبیراتی که در تعلیقات درج می‌شود و یا آیات و احادیث مورداشاره

در تعلیقات) لازم به نظر می‌رسد؛ البته متأسفانه در میان گزیده‌های بررسی‌شده در این مقاله هیچ‌یک، افزون‌بر فهرست منابع، فهرستی ندارند.^{۱۰}

در میان متون کامل، چاپ گوهرین بخشی از ضمایم را در غیاب تعلیقات واژگانی به فهرست لغات و اصطلاحات اختصاص داده است و توضیحات مجملی هم پس از هر فقره آورده است؛ پس از آن فهرست اعلام متن کتاب و سپس فهرست آیات و احادیث و اقوال مشایخ و نهایتاً کشف‌الایباتی کارگشا را ارائه کرده است. تصحیح رنجبر تفصیلی‌ترین فهرست‌ها را دارد (پانزده نوع فهرست). با این حال چون فاقد تعلیقات است فهرست منابع نیز ندارد. این ریزی‌بینی و ظریف‌کاری در ارائه فهرست‌ها اگرچه درخصوص فایده و کاربرد مثلاً «کشف‌المصراع دوم حواشی» جای سؤال باقی می‌گذارد، کاری مغتنم است. این فهرست‌های مفصل متأسفانه، چنان‌که بررسی شد، ضمیمه متن مصحح مورداعتمادی نشده است (برای نمونه ← پی‌نوشت ۷) و گرنه فواید بیش‌تری برای آن‌ها مترتب بود. چاپ انزایی‌نژاد و قره‌بگلو، جز فهرست ابیات، متضمن فهرست لغات و ترکیبات و فهرست آیات و احادیث است و از این نظر مغتنم است. چاپ شفیع کدکنی خوش‌بختانه مزیت فهرست ابیات را دارد و افزون‌بر آن، پس از فهرست اعلام (تاریخی، جغرافیایی، و کتاب‌ها)، فهرستی الفبایی راجع به راه‌نمای تعلیقات نیز دارد (صفحات ۷۸۹-۸۱۵) که برای دانشجویان و پژوهش‌گران بسیار سودمند است و شامل همه واژگان، تعبیرات، اعلام، مفاهیم، و برخی آیات و احادیثی می‌شود که تعلیقات مفصل کتاب ناظر به آن‌هاست. افسوس که در چاپ دانشجویی جز فهرستی کوتاه از اعلام متن بقیه این فهرست‌های مفصل و راه‌گشا احتمالاً به‌ضرورت کم‌ترشدن حجم کتاب حذف شده‌اند. چاپ عابدی و پورنامداریان نیز این فهرست راه‌نمای تعلیقات را در کنار فهرست اعلام دارد، اما کاستی بزرگ این اثر فقدان فهرست ابیات است. به‌نظر می‌رسد، با توجه به امکاناتی که دستگاه‌های چاپ و نشر امروزی در اختیار قرار می‌دهند، این امکان بوده و هست که دو بخش راه‌نمای تعلیقات و گزارش نسخه‌بدل‌ها با قلم‌هایی ریزتر و صفحه‌بندی فشرده‌تر تنظیم شوند و در این اثر تقریباً با همین حجم جایی برای ارائه فهرست ابیات باز شود که برای دانشجویان علاقه‌مند و به‌ویژه برای پژوهش‌گران بسیار سودمند و کارآست.

۳. نتیجه‌گیری

با توجه به مرور گزیده‌ها و متن‌های کاملی که از منطق‌الطیبر عطار ارائه شده‌اند و به‌منابه درس‌نامه نیز براساس سرفصل قدیم رشته زبان و ادبیات فارسی (مصوب سال ۱۳۶۶)

تدریس شده‌اند و می‌شوند و ناظر بر «تمام منطق‌الطیر با توجه به نکات ادبی آن» اند، دیدیم که پس از تصحیحی که سال‌ها پیش گوهرین انجام داد (۱۳۴۲)، چون اساساً معطوف به ارائه تصحیحی اصولی و دقیق از متن نبود، با وجود برخی تلاش‌ها برای ارائه شروحو مفید (مانند تصحیح و شرح انزابی نژاد و قره‌بگلو یا گزیده‌های شمیسا و اشرف‌زاده) تا پیش از ارائه تحقیق و تصحیح پروسعت و پردامنه و عمیق شفیع کدکنی (۱۳۸۳)، که در جای خود نیاز به برخی بازنگری‌های جزئی دارد، اهتمام مؤلفان این درس‌نامه‌ها خالی از خطاهای خرد و بزرگ در شناخت عطار و زبان شعر او نبود. در این راه کار ارزش‌مند عابدی و پورنامداریان (۱۳۹۰) در راه شناخت زبان و اندیشه عطار قدم مؤثری در مسیر عطارشناسی بود. در حال حاضر با توجه به ساختار خاص و بسیار منسجم منطق‌الطیر ارائه گزیده‌ای از این متن بسیار دشوار و تقریباً متعذر است و بی‌هیچ تردیدی اولویت با دو متن مصحح اخیر است.

پی‌نوشت‌ها

۱. از این موارد که بگذریم، نگاهی به کتاب‌شناسی شیخ فریدالدین عطار (میرانصاری، ۱۳۷۴: ۱۵۴، ۱۵۹) نشان می‌دهد که چند ده چاپ از منطق‌الطیر و شروح آن از ۱۲۴۸ ق تا سال‌های اخیر به‌ویژه در ایران و شبه‌قاره هند منتشر شده است که از میان آن‌ها کتاب منتخب اشعار شیخ فریدالدین محمد عطار نیشابوری (برگزیده غزلیات، قصاید، منطق‌الطیر، مصیبت‌نامه، الهی‌نامه، خسرونامه، و مختارنامه)، به‌واسطه فضل تقدیمی که در گزینش و گزیده‌نویسی آثار عطار به‌شیوه درس‌نامه‌ای دارد، شایسته یادآوری است؛ این اثر در سال ۱۳۴۵ در ۴۴۸ صفحه منتشر شده و به‌واسطه مؤلف آن، تقی تفضلی، مصحح دیوان عطار، قابل توجه است. این اثر که بنا به توصیف کتاب‌خانه ملی ایران هم گزینش و هم تصحیح بوده است و مقدمه‌ای ۶۳ صفحه‌ای دارد در زمان انتشار احتمالاً کار بسیار مغتنمی بوده است، اما متأسفانه امکان رؤیت آن به‌دست نیامد.
۲. مانند مقدمه مفصل و محققانه کتاب مفلس کیمیا فروش که در نقد و تحلیل شعر انوری نوشته شده است.
۳. فروزانفر نیز در صفحه ۸۷ شرح احوال و نقد و تحلیل آثار عطار در نقد و تحلیل الهی‌نامه می‌نویسد: «از جهت نظم و ترتیب منطقی و تسلسل مطالب وی حکایات الهی‌نامه به پایه منطق‌الطیر و مصیبت‌نامه نمی‌رسد و در عداد آثار بی‌نظیر عطار قرار نمی‌گیرد».
۴. مقاله نوریان با نام «منطق‌الطیر سلیمانی کجاست» در نقد تصحیح‌های منطق‌الطیر در مجله نشر دانش، شماره ۴۸، مهر و آبان ۱۳۶۷ و مقاله محققانه علی رواقی با نام «گذر از وادی مرغان» که حاصل تأملات واژه‌شناختی منطق‌الطیر است و در مجله گلچرخ، شماره ۷، سال ۱۳۷۲ منتشر شده است.

۵. ظاهراً این نکته زبانی را که جويا جهان‌بخش در مقاله خود متذکر شده است (فهرست منابع)، رواقی نیز در مجله گلچرخ، شماره ۷، سال ۱۳۷۲ در مقاله «گذر از وادی مرغان» در ضمن برخی ملاحظات زبانی دیگر منطق‌الطیبر گفته است.
۶. نگاهی به توضیحات صفحات ۲۲۲-۲۲۹ چاپ شفيعی که درباب روش تصحيح وی است ظرافت‌ها و لغزشگاه‌های کار تصحيح متن منطق‌الطیبر را با ارائه نمونه‌های بسیار جالب توجه نشان می‌دهد.
۷. البته برخی از مصححان دیگر کار را از این نیز ساده‌تر گرفته‌اند و مثلاً در تصحيح احمد رنجبر نسخه اساس، به ادعای کاتب، اوایل قرن هشتم و به نظر مصحح مربوط به قرن نهم است و جز این نسخه قرن نهمی فقط دو چاپ گوهرین و مشکور در حکم نسخه بدل در نظر گرفته شده‌اند (رنجبر، ۱۳۷۰: ۸-۹).
۸. این مثل را از کودکی بسیار از مادرم و برخی از کهن سالان کدکن شنیده بودم و آن‌گاه که پس از آشنایی با منطق‌الطیبر در خصوص ماهیت مرغ زرین جويا می‌شدم، داستانی مفصل از سیمرغ برایم نقل می‌کردند.
۹. استدراکاتی از این دست باز هم در خصوص توضیحات و تعلیقات چاپ شفيعی کدکنی دیده می‌شود. برای نمونه مقاله «نقد و بررسی منطق‌الطیبر» در دوره ۱ شماره ۱ فصل‌نامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی دانشگاه آزاد اسلامی (فهرست منابع) اگرچه در برخی مواردی که برشمرده (مثلاً شرح بیت ۳۱) کاملاً به بی‌راهه رفته است، اما مثلاً در شرح بیت ۳۰ یا ۳۱ به نکات راه گشایی اشاره دارد.
۱۰. گزیده منطق‌الطیبر انتشارات علمی و فرهنگی، در غیاب هرگونه تعلیقات و توضیحاتی، یک «واژه‌نامه» دارد که دربردارنده فهرست لغات و ترکیبات و برخی اعلام و پاره‌ای احادیث و آیات و نام برخی پرندگان است.

کتاب‌نامه

- آیتی، عبدالمحمد (۱۳۹۰). پیرنیشابور، گزیده‌ای از مثنوی‌های عطار، تهران: علمی و فرهنگی.
- احمدنژاد، کامل و فاطمه صنعتی‌نیا (شارح و تلخیص‌کننده) (۱۳۸۴). [گزیده] منطق‌الطیبر عطار، تهران: زوار.
- اشرف‌زاده، رضا (۱۳۸۳). «نگاهی به چاپی تازه از منطق‌الطیبر»، نامه فرهنگستان، ش ۲۴، زمستان.
- اشرف‌زاده، رضا (۱۳۸۶). شرح گزیده منطق‌الطیبر، مقامات طیور شیخ فریدالدین محمد عطار نیشابوری، تهران: اساطیر.
- الهی قمش‌های، حسین محی‌الدین (۱۳۷۳). گزیده منطق‌الطیبر، هفت شهر عشق، تهران: علمی و فرهنگی.

انزایی نژاد، رضا و سعید قره‌بگلو (مقدمه‌نویس، مصحح، و شارح) (۱۳۸۸). *منطق الطیر*، محمدبن ابراهیم عطار، تبریز: آیدین.

پورنامداریان، تقی (۱۳۸۲). *دیدار با سیمرخ*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. جهان‌بخش، جويا (۱۳۷۸). «هنجار تصحیح متن *منطق الطیر*»، *آینه میراث*، ش ۷ و ۸، زمستان ۱۳۷۸ و بهار ۱۳۷۹.

جهان‌بخش، جويا (۱۳۷۹). «هنجار تصحیح متن *منطق الطیر*، قسمت دوم، پیوست‌ها»، *آینه میراث*، ش ۹، تابستان.

حیدری، علی (۱۳۸۴). «نقد و بررسی *منطق الطیر*»، *فصل‌نامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی دانشگاه آزاد اسلامی*، س ۱، ش ۱.

رنجبر، احمد (مصحح) (۱۳۷۰). *منطق الطیر*، سروده فریدالدین عطار نیشابوری، تهران: اساطیر. ریتزر، هلموت (۱۳۸۸). *دریای جان*، ترجمه عباس زریاب‌خویی و مهرآفاق بایبوردی، ج ۲، تهران: الهدی.

زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۷۹). *صدای بال سیمرخ*، درباره زندگی و اندیشه عطار، تهران: سخن. شفیعی کدکنی، محمدرضا (مقدمه‌نویس، مصحح، و شارح) (۱۳۸۳). *منطق الطیر*، سروده فریدالدین محمد بن ابراهیم نیشابوری، تهران: سخن.

شفیعی کدکنی، محمدرضا (مقدمه‌نویس، مصحح، و شارح) (۱۳۸۶). *مصیبت‌نامه*، سروده فریدالدین محمدبن ابراهیم نیشابوری، تهران: سخن.

شفیعی کدکنی، محمدرضا (مقدمه‌نویس، مصحح، و شارح) (۱۳۸۷). *الهی‌نامه*، سروده فریدالدین محمد بن ابراهیم نیشابوری، تهران: سخن.

شفیعی کدکنی، محمدرضا (مقدمه‌نویس، مصحح، و شارح) (۱۳۹۲). *منطق الطیر*، سروده فریدالدین محمد بن ابراهیم نیشابوری، تهران: سخن (چاپ جلد شومیز و دانشجویی، تلخیص‌شده چاپ کامل).

شمیسا، سیروس (۱۳۹۰). *گزیده [منطق الطیر عطار]*، تهران: دانشگاه پیام‌نور.

شمیسا، سیروس (۱۳۹۳). *گزیده منطق الطیر عطار*، تهران: قطره.

صارمی، سهیلا (۱۳۸۲). *سیمای جامعه در آثار عطار*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. صارمی، سهیلا (۱۳۸۹). *مصطلحات عرفانی و مفاهیم برجسته در زبان عطار*، ج ۲، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

عابدی، محمود و تقی پورنامداریان (مقدمه‌نویس، مصحح، و شارح) (۱۳۹۰). *منطق الطیر*، سروده فریدالدین عطار نیشابوری، تهران: سمت.

عطار نیشابوری، فریدالدین (۱۳۵۹). *الهی‌نامه*، تصحیح ه. ریتزر، تهران: توس (افست از روی چاپ مطبوعه معارف استانبول، ۱۹۴۰).

گوهرین، سیدصادق (مصحح) (۱۳۷۴). منطق‌الطیبر، شیخ فریدالدین محمد عطار نیشابوری، تهران: علمی و فرهنگی.

مرتضوی، منوچهر (۱۳۶۵). مکتب حافظ، تهران: توس.

میرانصاری، علی (۱۳۷۴). کتاب‌شناسی شیخ فریدالدین عطار نیشابوری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.